

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

# رشته زبان و ادبیات فارسی

## درس بدیع

دکتر سیروس شمیسا

۲ واحد درسی

تهیه کننده: جلیل مسعودی فرد



# معرفی طرح درس

درس بدیع به ارزش ۲ واحد از دروس پایه ای و مهم رشته زبان و ادبیات فارسی است.

در این درس دانشجویان با صنایع لفظی و شگردهای معنوی شاعران و نویسندگان

فارسی آشنا می شوند و به راز و رمزهای زیبایی شناختی ادب فارسی پی می برند



# اهداف درس

۱- آشنا شدن به صنایع و فنونی که موجب زیبایی و سبب غنای موسیقی متون ادب فارسی شده است .

2- تشخیص این فنون و شگردها در آثار شاعران برجسته.

۳- آشنایی با راز و رمزهایی که سبب برجستگی آثار مهم فارسی شده است .

# جایگاه درس

این درس در کنار درس معانی و بیان ۱ و ۲ به دانشجویان کمک می کند که صنایع و فنون لفظی و معنوی متون و ادب فارسی اعم از نظم و نثر را بشناسند و شگردها و توانایی ها شاعران را درک کنند.

# هدف های رفتاری

- ۱- شناخت بدیع و طبقه بندی آن
- ۲- شناخت موسیقی لفظی و معنوی
- ۳- شناخت انواع فنون ادب
- ۴- شناخت زیبایی های متون ادبی
- ۵- تشخیص ترندهای موسیقایی شاعران بزرگ



## تعریف بدیع

بدیع مطالعه در ابزار و شگردها و فنونی که باعث ایجاد موسیقی کلام می شوند ( در نثر ) و یا موسیقی کلام را افزون تر می کنند . ( در شعر )

بدیع بررسی شیوه هایی است که به وسیله آنها در بین اجزاء کلام تناسبات و روابط خاصی به وجود می آید .

## صنعت بدیعی

به ابزاری که موسیقی کلام را به وجود می آورند و یا افزون می کنند و بین اجزا کلام روابط هنری به وجود می آورند اصطلاحاً صنعت بدیعی می گویند

.

این ابزار به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم می شود .





# بدیع لفظی

بحث در ابزار و صنایعی که موسیقی کلام را افزون می کنند یا به وجود می آورند موضوع بدیعی لفظی است که در سه فصل:

- ۱- روش تسجیع
- ۲- روش تجنیس
- ۳- روش تکرار

از آن سخن خواهیم گفت



# بدیع معنوی

مطالعه در ابزار و صنایعی که موسیقی معنوی کلام را به وجود می آورد موضوع بدیع معنوی است که در پنج فصل به بررسی آنها خواهیم پرداخت :

- ۱- روش تشبیه
- ۲- روش تناسب
- ۳- روش ایهام
- ۴- ترتیب کلام
- ۵- تعلیل و توجیه

## نقش صنایع بدیعی در ادبیات

یکی از ویژگی‌های کلام ادبی داشتن آهنگ است علاوه بر این شاعران بزرگ با استفاده از یک یا چند ابزار دیگر موسیقی کلام را افزون‌تر می‌سازند و یا به کلام انسجامی بیش از حد معمول می‌بخشند و کلام عادی را به کلام ادبی تبدیل می‌کنند.

# کلام عادی ، کلام ادبی

شاعران بزرگ معمولاً با استفاده از ابزار موسیقی به کلام انسجامی بیش از حد معمول می بخشند و بدین وسیله کلام عادی را به کلام ادبی تبدیل می کنند.

# آشنایی با چند اصطلاح

۱- مصوت : در زبان فارسی شش مصوت وجود دارد .

الف) مصوت های کوتاه (V) : آ ای او ،

ب) مصوت های بلند ( $\bar{V}$ ) آ ای او

۲- صامت (C) : به بقیه اصوات زبان صامت می گویند.

**۳- واک یا واج :** به هر یک از صداهاى زبان اعم از صامت یا مصوت یک واک یا واج می گویند مثلاً دُست دارای چهار واک است .

هیچ صامتی بدون مصوت قابل تلفظ نیست و برعکس .

**۴- آوا نویسی:** املائی است که با آن همه اصوات  
زبان ( صامت ها و مصوت ها ) را بتوان دقیقاً نشان داد .

در آوا نویسی با اندک تغییر و تصرفی از الفبای لاتین  
استفاده می شود .

ادامه دارد...

**در آوا نویسی به شکل مکتوب واژه کاری نداریم و فقط  
مسموعات را بازنویسی می کنیم .**

**مثلا : پست past - چه Će**



**۵- هجا یا بخش :** هجا مجموعه ای از اصوات است که در یک دم یا بازدم ادا می شود.

در زبان فارسی شش هجا وجود دارد :

۱- صامت + مصوت کوتاه (cv) : ب (be) دو (do) **هجای کوتاه**

۲- صامت + مصوت بلند (c $\bar{v}$ ) : با (bā) **هجای بلند**

۳- صامت + مصوت کوتاه + صامت (cvc) : در (dar)

ادامه دارد...

مجاى  
كشیده

۴- صامت + مصوت بلند + صامت (c $\bar{v}$ c) : دار (dār)

۵- صامت + مصوت کوتاه + دو صامت (cvcc) : درد (dard)

۶- صامت + مصوت بلند + دو صامت (c $\bar{v}$ cc) : داشت (dāšt)

**۶- روی :** به آخرین واک اصلی هر کلمه روی

می گویند : دستم (روی **ت** است) در شیرین ، ( **ن** روی است )

چون مرکب بودن آن به ذهن متبادر نمی شود .

**۷- هجای قافیه :** هجایی از کلمه که آخرین واک آن  
، واک روی است هجای قافیه نامیده می شود :

مثلا آمد ، هجای قافیه مد است .

# بدیع لفظی

## فصل اول : روش تسجیع

روش تسجیع ایجاد موسیقی یا افزایش موسیقی کلام به وسیله هماهنگ

کردن کامل یا نسبی کلمات و جملات است .

سجع به معنی آهنگ است و در دو سطح کلمه و جمله قابل بررسی است .

# الف – سجع در کلمه

## ۱- سجع متوازی :

دو کلمه که از نظر وزن (تعداد و تناسب هجاهای کوتاه و بلند) و حرف روی یکسان باشند .

شمع و جمع / کتاب و شتاب

## **تبصره :**

اگر اختلاف صامت های نخستین ناچیز باشد و به اصطلاح قریب المخرج باشند سجع متوازی از دیدگاه جناس هم بررسی می شود.

پست بست (جناس مضارع)

**۲- سجع مطرف :** دو کلمه که از نظر وزن متفاوت ولی از نظر حرف روی یکسان باشند .

**دار و شکار / راز و جواز**

**تبصره :**

ممکن است کلمات سجع از نظر تعداد هجا مساوی باشند اما هجاهای آغازین از نظر کمیت یعنی امتداد با هم فرق داشته باشند .

**ا ر ا د ت      م ع ر ف ت**  
— — — — —  
— — — — —

**۱۱- سجع متوازن :** دو کلمه که از نظر وزن یکسان ولی از نظر حرف روی متفاوت باشند.

**کام و کار / نظم و راز**

**تبصره :**

هر چه واک های مشترک بیشتر باشند سجع متوازن موسیقایی تر است و اوج آن وقتی است که اختلاف فقط در واک آخر باشد.

**عامد عامل**

ادامه دارد...



**تبصره :**

فرق سجع متوازن با کلمات هم هجایی این است که در سجع متوازن علاوه بر رعایت تساوی عددی هجاها تساوی کمی (امتداد) هم شرط است اما در کلمات هم هجا فقط تساوی عددی کافی است.

**نقاشی**      **شکستم** (هم هجایی)

## جمع بندی انواع سجع در کلمه

وزن و روی یکی : **سجع متوازی**

وزن یکی و روی مختلف : **سجع متوازن**

وزن مختلف و روی یکی : **سجع مطرف**

## ب- سجع در کلام :

زمانی شکل می گیرد که هماهنگی بین جملات باشد

**۱- ترصیع :** هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله تقابل سجع های متوازی .

نداشت

نداشت

متوازی

ستایش

نیایش

متوازی

توان

گمان

متوازی

زبانش

روانش

متوازی

ادامه دارد...

## مثال دیگر :

ای منور به تو نجوم جمال  
ای مقرر به تو رسوم کمال  
متوازی متوازی متوازی

حداقل دو سجع در شعر باید باشد ( به جز قافیه )

## ۲- موازنه ( یا مماثله ) : هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله

سجع های مختلف . ( اگر همه سجع های متوازی نبود موازنه می نامیم . )

مازندران

هاماوران

متوازی

شهر

بند

متوازی

ستاننده

گشاینده

متوازی

در موازنه و ترصیع رابطه کلمات عمودی است .

## ۲- تضمین المزدوج یا اعنات القرینه:

هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله رعایت قافیه در فعل آخر دو جمله و مجاورت انواع سجع در حشو هر جمله است .

چون اوقات محسوب به اجل مضروب | رسید  
و ایام معدود به شب موعود | کشید

رابطه سجع ها در حشو کلام افقی است نه عمودی

**تذکره:** در ترصیع و موازنه سجع ها در تقابل همدیگر هستند ( رابطه عمودی )

جمله اول	---X---+---*---	↓
جمله دوم	---X---+---*---	

**اما در تضمین مزدوج در کنار همند. ( رابطه افقی )**

جمله اول	X-----+-----+---
جمله دوم	X-----*-----*---

←

**از نظر آماری نمونه موازنه بسیار زیاد است.**

## فصل دوم : روش تجنیس

روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هر چه بیشتر واک های کلمات است به طوری که کلمات همچنس به نظر آیند و شباهت آنها به ذهن متبادر شود.

به مصادیق روش تجنیس ، جناس گویند .



# انواع جناس :

۱- جناس تام: اتحاد در همه واک ها و اختلاف در معنی است .

بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

گور خر

قبر

ادامه دارد...

## مثال دیگر :

دیدي آن ترک **ختا** غارت دين بود مرا  
گر چه عمري به **خطا** دوست خطا بش کردم

**ختا** : نام سرزمینی در چین    **خطا** : اشتباه

اگر چه شکل آنها متفاوت است چون که تلفظ شان یکسان است  
جناس تام نامیده می شود بعضی آن را **جناس لفظ** گفته اند.

**۲- جناس مرکب:** مثل جناس تام است فقط دو کلمه در نکیه با هم اختلاف دارند یا یک کلمه بسیط و دیگری مرکب است.

گفتمش باید بری نامم زیاد      گفت آری می برم نامت زیاد

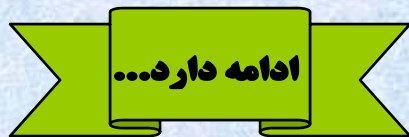
ازیاد(مرکب)

فراوان(بسیط)

ادامه دارد...

گاهی هر دو کلمه مرکب است :

چون نای بی نوایم از این نای بی نوا شادی ندید هیچکس از نای بی نوا  
نی بیصدا زندان نای بی ساز و برگ



## تبصره ۵:

جناس مرکب در حقیقت همان جناس تام است. زیرا عین واژه تکرار می شود. فقط ریشه آنها متفاوت است و گاهی تفاوت در تکیه کلمه است.

**۳- جناس مضارع:** اختلاف دو کلمه فقط در صامت آغازین قریب المخرج است.

گام ، گام – حالی ، خالی

که از آن دوری در این دور ای کلیم  
پا مکش زیرا دراز است این کلیم

۴- جناس ناقص یا محرف: اختلاف دو کلمه فقط در مصوت کوتاه است .

خَلَقَ ، خُلِقَ - مَهْرٌ ، مِهْرٌ

مکن تا توانی دل خلق ریش  
وگر می کنی می کنی بیخ خویش

**۵- جناس زاید:** یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری واک یا واک های اضافه داشته باشد و بر سه نوع است:

**الف: جناس مطرف یا مزید:** واک یا واک های اضافه در آغاز کلمه باشد.

کوه، شکوه – قوت، یاقوت

ادامه دارد...



## تذکر

تفاوت جناس مطرف و سجع مطرف : در جناس مطرف صامت آغازین هجای قافیه یکسان است : **زار ، نزار** . اما در سجع مطرف صامت آغازین هجای قافیه حتما متغیر است : **کار ، ستار** .

**تبصره:** در اصطلاحات بدیعی جناس مطرف گاهی به معنی کاملاً متفاوتی به کار می رود و به سجع هایی گفته می شود که اختلاف آنها فقط در حرف روی است.

آزاد - آزار



## ب) جناس وسط :

یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری واک هایی در وسط اضافه دارد .

کف ، کنف

## **(ج) جناس مذیل : واک یا واک های اضافه در آخر کلمه باشد .**

۱- یک مصوت کوتاه اضافه : جام ، جامه

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است    بیار **باده** که بنیاد عمر **برباد** است

۲- یک مصوت بلند اضافه : کل ، کلی

گر شد اینجا جزو و **کل** کلی تباه    گم شد از روی زمین یک پر گاه

ادامه دارد...

### ۳- یک صامت اضافه : در ، درب

دیدي آن ترک ختا غارت دين بود مرا گرچه عمري به **خطا** دوست **خطابش** کردم

### ۴- مصوت و صامت اضافه : دار ، دارم

ور مرا بي **يار** بايد زيستن زندگاني **كاش** يا رب نيستي

## ۶- جناس اشتقاق یا اقتضاب :

دو کلمه از حیث مصوت بلند با یکدیگر فرق دارند

۱- در آخر : دارا، دارو، داری

۲- در وسط : زمان، زمین

الف ( اختلاف مصوت بلند :

ترکان پارسی گو بخشندگان عمرند      ساقی بده بشارت رندان پارسا را

ادامه دارد...

ب) اختلاف در مصوت بلند و کوتاه :

۱- در آخر : سینه ، سینا  
۲- در وسط : بستان ، بوستان

نه باغبان و نه بستان که سرو قامت تو    برست و ولوله در باغ و بوستان انداخت

## ۷- جناس قلب یا مقلوب:

الف – قلب بعض: جای یک صامت در کلمات هم هجا تغییر کند .

رحیم ، حریم – شاعر ، عاشق

ب) قلب کل: در کلمات یک جایی توزیع واک ها وارونه یکدیگر باشد .

زار ، راز

ادامه دارد...



**ج ( قلب کامل یا مستوی : آن وقتی است که یک مصراع را بتوان از آخر خواند .  
این نوع قلب ارزش موسیقایی ندارد .**

**۸- جناس در کلام:** تا کنون جناس در سطح کلمه بررسی شد اما روش تجنیس در سطح جمله یک مصداق بیشتر ندارد و آن وقتی است که اکثر کلمات دو جمله یکسان باشد و تکیه و آهنگ آن متفاوت:

چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت      چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت

# فصل سوم : روش تکرار

روش تکرار معمولاً در سطح کلام بررسی می شود .

۱- تکرار واک :

الف - همحروفی : تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند ( تکرار صامت چ )

ادامه دارد...

**ب – همصدایی:** تکرار مصوت در جمله .

یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد ( تکرار مصوت بلند a )

**تبصره ۵:** تتابع اضافات (چند اضافه پیاپی) که در نظر قدما مخل فصاحت بوده است به

علت تکرار مصوت کوتاه (e) همصدائی ایجاد می کند و زیباست.

فغان کاین لولیان شوخ شیرینکار شهر آشوب

**۲- تکرار هجا :** وقتی که هجائی تکرار شود .

من از جهان بی تفاوتی فکرها و حرفها و صداها می آیم. (تکرار ها)

**۳- تکرار واژه: که انواعی دارد:**

**الف - ردالصدر الی العجز: یعنی کلمات اول و آخر بیت یکسان باشد.**

**عصا بر گرفتن نه معجز بود      همی اژدها کرد باید عصا**

**ب) رد العجز الی الصدر: کلمه آخر بیت در اول بیت بعدی تکرار شود.**

**ج) التزام یا اعنات:** در تمام شعر ، کلمه مخصوصی تکرار شود. مانند تکرار  
” شمس الدین ” در غزلی از مولانا .

**د) تکرار یا تکریر:** در یک بیت دو کلمه پشت سر هم تکرار شود.

باران قطره قطره همی بارم ابروار

گاهی تکرار به صورت پراکنده در یک بیت دیده می شود .

گوشه گرفتم ز خلق و فایده یی نیست گوشه چشمت بالای گوشه نشین است

**ه - طرد و عکس :** مصراعی را به دو پاره تقسیم کنند و آن دو پاره را در مصراع دیگر بر عکس تکرار کنند .

دلبر جانان من ، برده دل و جان من ، دلبر جانان من  
برده دل و جان ما      دلبر جانان من ، برده دل و جان ما





## ۴- تکرار جمله یا عبارت :

که انواعی دارد مثلا در قالب ترجیح بند یا رد المطلع ( مصراع اول شعری در آخرین مصراع تکرار شود. )

## نکته :

۱- در بدیع لفظی از صنایع دیگری هم نام برده اند که به نظر ما در ایجاد یا ارتقای موسیقی کلام نقشی ندارند. بدین دلیل از ذکر آنها خوداری کرده ایم.

۲- برخی از صنایع لفظی را از دیدگاههای دیگری هم می توان نگرینست. مثلا جناس تام و مرکب از دیدگاه تکرار هم قابل بررسی است.

ادامه دارد...

**۳- برخی از صنایع لفظی جنبه معنوی هم دارند از قبیل طرد و عکس و نوعی**

**از جناس اشتقاق که جناس کلمات ریشه است و در قسمت بعدی به بررسی آنها**

**خواهیم پرداخت .**

# بدیع معنوی

فصل اول : روش تشبیه  
اساس بعضی از صنایع ادبی بر تشبیه است که عبارتند از :

۱- مبالغه ، اغراق و غلو : توصیفی است که در آن افراط یا  
تفریط باشد و بر سه نوع است .

**الف - بیانی:** یعنی افراط و تاکید در توصیفی که حاصل تشبیه و استعاره است همین که می‌گوییم **“قد او چون سرو است”** غلو بکار برده ایم .

از این دیدگاه ، این بحث جزء مباحث علم بیان است .

**ب - حماسی:** یعنی افراط و تاکید در توصیفی که جزء ذات آثار حماسی است قهرمان حماسی کارهای غیر طبیعی و خارق العاده انجام می دهد .

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

**ج - بدیعی:** مبالغه و غلو در موارد عادی پسندیده نیست و وقتی جنبه بدیعی می‌باید که با صفتی همراه باشد یا در آن نکته و دقیقه‌ای باشد.

میان ماه من تا ماه گردون      تفاوت از زمین تا آسمان است

در این بیت تفاوت هم حقیقت دارد و هم اغراق.

## ۲- جمع:

دو یا چند مورد را در صفتی ادعایی (جامع) با هم جمع کنند. این صنعت در حقیقت همان تشبیه مضمراست.

مردمان جمله بختند و شب از نیمه گذشت و آن که در خواب نشد چشم من و پروین است  
چشم از نظر در خواب نشدن به ستاره پروین تشبیه شده است.



### ۳- تفریق :

با انکار شباهت بین دو چیز و اقامه دلیلی اقناعی بین آن دو فرق گذارند .

من نگویم به ابر ماندی      که نکوناید از خردمندی  
او همی بخشد و همی گرید      تو همی بخشی و همی خندی

## ۴- جمع و تفریق :

نخست با تشبیه مضمَر دو امر را در صفتی ادعایی جمع کنند و سپس بین آن دو ، فرق نهند .

منم امروز و تو انگشت نمای زن و مرد      من به شیرین سخنی توبه نکویی مشهور

## ۵- جمع با تقسیم :

نخست چند امر را در جامعی جمع کنند و سپس آن ها را تقسیم کنند .

مگر مشاطه بستان شدند با د و سحاب تقسیم که این بستش پیرایه و آن گشاد نقاب تقسیم جمع

## ۶- تجاهل العارف :

در لغت به معنی خود را به نادانی زدن است.

در اصطلاح بدیعی : شاعر در اسناد امری به امری دیگر یا در تشخیص دو امر  
کاملاً متاین تردید نشان دهد .

## تذکر:

علت تردید شاعر که با سوال همراه است و یا انکار او از آنجا ناشی شده است که شاعر دو امر را کاملاً شبیه به هم یافته است ( **تشبیه مضمیر** ) این صنعت با غلو همراه است .

**مثال :**

**ندانم این شب قدر است یا ستاره روز تویی برابر من یا خیال در نظرم**

**توهم شاعر از آنجا ناشی شده است که شاعر معشوق را همانند شب قدر ( از نظر عزت ) و ستاره روز ( از نظر درخشندگی ) پنداشته است .**

**نمونه ای دیگر :**

**تمام فهم نکردم که ارغوان و گل است در آستینش یا دست و ساعد گلفام**

**شاعر دست و ساعد معشوق را از نظر سرخی با ارغوان و گل سرخ اشتباه کرده است .**



**۷- ارسال المثل یا تمثیل : کلام حاوی ضرب المثلی باشد .**

**الف - شاعر از ضرب المثلی استفاده کرده باشد**  
**ب - کلام شاعر بعدها ضرب المثل شده باشد .**

ادامه دارد...



ساختار ارسال المثل بدین شکل است که دو جمله بدون ذکر ادات تشبیه به هم تشبیه شوند و مشبه به ضرب المثل باشد .

غم عشق آمد و غم های دگر پاک ببرد سوزنی باید کز پای بر آرد خاری

مصراع دوم تمثیلی است برای مصراع اول .

## **۸- تجسم : دو نوع است :**

**الف – عینی کردن امری ذهنی و به اصطلاح تصویری کردن آن به وسیله تشبیه مضمَر.**

**در باطن من جان من از غیر تو بیرید محسوس شنیدم من ، آواز بریدن**

**فراق معنوی را به جدائی مادی تشبیه کرده است .**

**ادامه دارد...**

**ب – بیت حالت تابلوی نقاشی را داشته باشد و تصویری غریب را در ذهن  
مجسم کند .**

**عشق تو آورد شراب و کباب    عقل به یک گوشه ، نشستن گرفت**



**۹- حرف گرایبی : تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا .**

**زلف تو را جیم که کرد آن که او خال تو را نقطه آن جیم کرد**

**زلف را از نظر خمیدگی به ج تشبیه کرده است و خال را به نقطه آن.**

## فصل دوم : روش تناسب

در این روش از صنایعی سخن می رود که اساس آنها تناسبات معنایی بین اجزاء کلام است . مصادیق آن عبارتند از :

**۱- مراعات النظير (تناسب) : واژه های کلام اجزائی از یک کل باشند و از این جهت با هم ارتباط داشته باشند .**

**دلّم از مدرسه و صحبت شیخ است ملول ای خوشا دامن صحرا و گریبان چاکی**

اجزاء لباس

اجزاء درس

**۲- جناس کلمات هم خانواده:** یعنی آوردن کلماتی که به لحاظ ریشه با هم ارتباط معنایی دارند و بر دو نوع است .

**الف - جناس پسوند:** یکی از کلمات پسوند یا شبه پسوندی اضافی دارد .

گل ، گلستان - غم ، غمخوار

**ب – جناس ریشه :** واژه ها در حداقل سه واک اشتراک دارند . و به اصطلاح از یک ریشه هستند .

رسل ، رسایل – ملک ، ملک – ولی ، ولایت

اگر کلمات از یک ریشه باشند به آن صنعت اشتقاق و اگر از یک ریشه نباشند شبه اشتقاق گویند .



۳- تضاد ( = طباق ): کلمات از نظر معنی عکس و ضد هم هستند .

این دشمنی ای دوست که با من به جفا آخر کردی نخست می دانستم

**۴- تلمیح:** اشاره به داستان . این صنعت دو ساخت “ تشبیه “ و “ تناسب “ دارد.

بیستون کردن فرهاد نه کاری است شگفت شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است

اولا بین این مطلب که عشق باعث انجام کارهای بزرگ می شود و داستان کوه کردن فرهاد به عشق شیرین رابطه تشبیهی وجود دارد . ثانيا کلمات **بیستون ، کوهکن و شیرین** مراعات النظیر دارد .

## ۵- ارساد و تسهیم :

تناسب بین معانی و الفاظ آن قدر واضح باشد که قسمت پایانی بیت ،  
مخصوصا قافیه ، قابل پیش بینی باشد .

دلبر جانان من ، برد دل و جان و من      برد دل و جان من دلبر جانان من

**۶- براعت استهلال :** از مطالعه مقدمه مختصر جو کلی کتاب آشکار گردد .  
یعنی بین مقدمه و موضوع اثر تناسب و ارتباط معنایی وجود دارد .

مثلا در مقدمه داستان “ **رستم و سهراب** ” به مرگ سهراب اشاره شده است .

اگر تند بادی بر آید ز کنج      به خاک او فتد نارسیده ترنج  
سهراب

**۷- حسن تخلص :** تخلص یک یا چند بیتی است که قسمت آغازین قصیده ( تغزل و تشبیب ) را به متن قصیده ( مدح و توصیف ) پیوند می زند اگر این پیوند به نحو زیبایی انجام شود ، صنعت **حسن تخلص** نامیده می شود .

**تذکر:**

تخلص در غزل **لقب شاعر** است مانند سعدی ، حافظ ، شمس  
( تخلص مولانا ) که با تخلص در قصیده متفاوت است .



**۸-حشو ملیح:** در طی کلام ، جمله معترضه یی می آورند که با مطلب تناسب تام داشته باشد و معمولاً در آن لطیفه و هنری است .

بت زنجیر موی از گفتن او      بر آشت ، ای خوشا آشتن او

## تذکر:

اگر جمله معترضه زشت و ناپسند باشد حشو قبیح و اگر معمولی باشد حشو متوسط نامیده می شود که در این دو صورت صنعتی محسوب نمی شود .



**۹- صدا معنایی: آوردن الفاظی که صدایشان مستمع را به منبع صوت راهنمایی کند.**

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنک از جانب خوارزم وزان است

ترادف "خ" و "ز" صدای خش خش برگ های پاییزی را به ذهن می آورد.

## ۱۰- استثنای منقطع:

موردی را از موردی دیگر مستثنی کنند به شکلی که استثنا عقلاً و عرفاً صحیح نباشد. یعنی مستثنی از جنس مستثنی منه نباشد.

کس از فتنه در فارس دیگر نشان نجوید مگر فتنه قامت مهوشان

قتنه زیبا رویان از جنس فتنه های اجتماعی فارسی نیست.

ادامه دارد...

## مثال دیگر :

بخوشید سرچشمه های قدیم      نماند آب جز آب چشم یتیم

آب چشم (اشک) از جنس آب سرچشمه ها نیست که از آن استثناء شده است.

## فصل سوم : روش ایهام

در این روش کلمات معانی مختلفی را بیان می کنند یا به ذهن می رسانند که مصادیق مختلفی دارد و مهمترین مصداق آن صنعت ایهام است .



۱- ایهام ( = توریه ): کلمه ی در کلام که حداقل به دو معنی به کار رفته باشد.

ز گریه مردم چشم نشسته در خون است      بین که در طلبت حال مردمان چون است

۱- انسانها

۲- مردمک چشم

ادامه دارد...

## مثال دیگر :

براستی که نه همبازی تو بودم من      تو شوخ دیده مگس بین که می کند بازی

بازی به دو معنی است :

**الف** - در معنی بازی و شوخی کردن با همبازی و شوخ تناسب دارد.

**ب** - در معنی پرنده باز با مگس تناسب دارد.

**۲- ایهام تناسب :** فقط یکی از دو معنی کلمه در کلام حضور داشته باشد .  
اما معنی غایب با کلمه یا کلمات دیگر رابطه و تناسب داشته باشد .

یکی را حکایت کنند از ملوک      که بیماری رشته کردش چو دوک

رشته اسم بیماری است که امروزه بیوک می گویند اما در معنی نخ که اینجا  
مراد نیست با دوک تناسب دارد .

## مثال دیگر :

هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله قربان ها

قربان به معنی قربانیست اما در معنی بند ترکش که مراد نیست با تیر و کیش تناسب دارد.



۳- **استخدام** : بر دو نوع است .

الف ( اسم یا فعلی دو معنی داشته باشد و در هریک از دو معنی با اسم یا فعل دیگری از کلام ترکیب شود .

شنیدم که جشنی ملوکانه ساخت      چو چنگ اندر آن بزم خلقی نواخت

چنگ نواختن : ساز زدن      خلق را نواختن : خلق را نوازش کردن

**ب – لفظی دارای دو معنی باشد و در کلام واژه با ضمیر بیاورند که به معنی دیگر واژه اشاره کنند .**

**امید هست که روی ملال در نکشد      از این سخن که گلستان نه جای دلتنگی است  
علی الخصوص که دیباچه همایونش      به نام سعد ابی بکر سعد بن زنگی است**

**گلستان در بیت اول : گلزار در بیت دوم همایونش اشاره به کتاب گلستان دارد**

**۴- اسلوب الحکیم:** جمله یی را بر خلاف مقصود گوینده حمل کنند و بنا به دریافت نادرست خود پاسخ دهند.

گفتمش باید بری نامم زیاد      گفت آری می برم نامت زیاد  
فراوان                                      از یاد بردن

## مثال دیگر :

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من    از خاک بیشتر نه که از خاک کمترین

به لحاظ تعداد و کثرت

به لحاظ قدر و مرتبه

**شیوه تضمن :** یکی از فروع روش ایهام ، شیوه تضمن است . بدین معنی که در ضمن مطلبی ، مطلب دیگری نیز به صورت غیر مستقیم فهمیده می شود .

**مصادیق آن عبارتند از : استتباع و تبادر**



**۵- استتباع:** به مدح موجه ( دو رویه ) یا ذم موجه ، استتباع گویند .

یعنی در ضمن توصیف صفتی خاص صفت دیگری نیز به طور ضمنی مطرح شود .



## مثال مدح موجه :

جوانی هنرمند و فرزانه بود      که در وعظ چالاک و مردانه بود  
نکونام و صاحب دل و حق پرست      خط عارضش خوشتر از خط دست

در ضمن مدح چهره اش از خوش خطی او هم سخن گفته است .

**مثال ذم موجه :**

**ز میدان چنان تافت روی گریز که گفتم ز وی خواست سائل پیشیز**

**در ضمن بیان بزدلی و ترسو بودن ، خست او نیز بیان شده است.**



**۶-تبادر:** واژه ای از کلام واژه دیگری را که با آن همشکل یا هم صدا است به ذهن متبادر کند .

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو    یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

خویش ، خویش ( وسیله شخم زنی ) را به ذهن متبادر می کند که با مزرع و داس و درو تناسب دارد .

**مثال دیگر :**

**چندت نیاز و آز دواند به برو بحر دریاب وقت خویش که دریای گوهری**

**دَریاب ، دُریاب را هم به ذهن متبادر می کند که با دریا و گوهر تناسب دارد .**



**تذکره :** در صنعت تبادر معنی دوم که به ذهن می رسد مورد نظر شاعر نیست و شاعر فقط خواسته است با این شیوه تناسب معنایی ایجاد کند و ذهن خواننده را به معنی دیگر متوجه کند .

## شیوه اغفال :

یکی دیگر از فروع روش ایهام ، شیوه اغفال است بدین معنی که خواننده در نظر اول معنایی خلاف مقصود گوینده را توهم کند .

مصادیق آن عبارتند از : مدح شبیه به ذم و بر عکس ، ذو وجهین ...

## **۷- مدح شبیه به ذم :**

مقصود مدح است ، اما چون در کلام حروف استثناء و استدراک از قبیل لیکن ، ولی ، اما آمده است در نظر اول ذم به ذهن متبادر می شود .

ترا پیشه عدل است لیکن به جود      کند دست تو بر خزائن ستم

لیکن و ستم ، مدح را شبیه به ذم کرده است .

## ۸- ذم شبیه به مدح:

معنی کلام ذم است اما چون از حرف استثنا و کلمات مدحی استفاده شده است مدح به ذهن متبادر می شود .

تو به هنگام وفا گر چه ثباتیت نبود می کنم شکر که به بر جور دوامی داری

این کلمات موهم مدح است در حالی که مقصود شاعر ذم است بی وفایی و ستمگری.

**۹- ذو وجهین ( یا محتمل الضدین ) : وضع و ترکیب لغات به نحوی باشد که کلام هم معنی مدح داشته باشد و هم معنی ذم.**

ای خواجه ، ضیا شود ز روی تو ظلم	با طلعت تو سور نماید ماتم
ظلمت به نور تبدیل می شود ( مدح )	ماتم به شادی تبدیل می شود
نور به ظلمت تبدیل می شود ( ذم )	شادی به ماتم تبدیل می شود.

## ۱- حسن طلب یا ادب سوال :

تقاضای پاداش و مال از ممدوح به شکل غیر مستقیم بیان شود.

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید      وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

طلب پاداش و صله کرده است.





## فصل چهارم : ترتیب کلام

در این روش ارجاع کلمات به یکدیگر مبتنی بر نظم و ترتیب خاصی است .

مصادیق آن عبارتند از :



## **۱- لف و نشر: (لف : پيچاندن ، نشر: جداکردن )**

نخست چند واژه يا مطلب را در يك پاره از كلام با هم بياورند (لف)  
سپس در پاره ديگر كلام آن را توضيح دهند(نشر) .

**بر دو نوع است : مرتب و مشوش**

**الف- لف و نشر مرتب :**

**فروشده به ماهی و بر شد به ماه**      **بن نیزه و قبه بارگاه**

۱      ۲(لف)      ۱      ۲ (نشر)

**بن نیزه به ماهی فروشده و قبه بارگاه به ماه بر شد.**

**ب- لف و نشر مشوش:**

گردهدت روزگار دست و زبان زینهار      هر چه بدانی مگوی      هر چه توانی مکن  
۱      ۲ (لف)      ۲      ۱ (نشر)

**یعنی با زبان هر چه بدانی مگوی و با دست هر چه می توانی مکن.**

**۲- تقسیم:** لف ونشری است که در آن ارتباط فقرات لف و نشر دقیقاً مشخص باشد (در لف و نشر دقیقاً مشخص نیست و از محتوای سخن فهمیده می شود)

به من نمود لب و چشم و زلف آن دلبر      یکی عقیق و دوم نرگس و سوم عنبر  
۱      ۲      ۳      ۱      ۲      ۳

**تذکره:** یکی از فروع تقسیم ، **تفسیر بعد از ابهام** است ، بدین شکل که مطلبی مجمل بیان شود سپس با عدد و شماره آن را تفصیل دهند .

آسایش دو گیتی **تفسیر این دو حرف است** **مجمل**  
**با دوستان مروت بادشمنان مدارا** **مفصل**

**۳- اعداد (سیاقه الاعداد) :** برای چند اسم متوالی یک فعل یا صفت مشترک بیاورند.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند      تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۱      ۲      ۳      ۴      ۵      صفت مشترک

**۴-تنسيق الصفات: برای یک اسم صفات متعدد بیاورند (برعکس اعداد).**

فغان کاین لولیان شوخ شرینکار شهر آشوب چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را  
اسم ۱ ۲ ۳(صفت)



**۵- قلب مطلب :** بر دو نوع است :

**الف- چند واژه مصراع اول را به عینه یا با مختصر تغییری در مصراع دوم با توالی معکوس تکرار کنند به نحوی که مضمونی نو ایجاد شود.**

**گیرم که بر کنی دل سنگین ز مهر من      مهر از دلم چگونه توانی که بر کنی**

۱

۲ ۳ ۴

۴ ۳

۲ ۱

ممکن است تکرار دقیقاً نظم معکوس نداشته باشد .

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم      چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی  
۴                      ۳                      ۲                      ۱                      ۴                      ۳                      ۲                      ۱

ب- قلب مطلب با جابجایی فاعل و مفعول یا مسند و مسندالیه به وجود می آید .

به زیورها بیارایند مردم خوبرویان را      تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی  
متمم      مفعول

خوبرویان را با زیور می آرایند.  
تو زیورها را می آرایی.

**۶-التفات:** تغییر سخن از غیبت به خطاب یا از خطاب به غیبت است.

شاید که دل از همه پردازم      در مدح یگانه جهان بندم  
ای آن که ستایش ترا خامه      بر باد جهنده بزبان بندم

بیت اول **غایب** است در بیت دوم به **مخاطب** التفات کرده است .

## فصل پنجم: روش تعلیل و توجیه

در این روش برای مطالبی که اظهار می شود توجیه و تعلیل ظریف و لطیفی ارائه می شود . مصادیق آن عبارتند از:

**۱- حسن تعلیل :** تعلیل در ادبیات اسلوب خاص دارد و باید جنبه اقناعی و استحسانی داشته باشد نه برهانی و علمی و مبتنی بر تشبیه باشد .  
دو نوع است .

**الف** - علتی که ذکر می شود واقعی و حقیقی است اما در ربط آن به معلول ظرافت و لطافتی است و این کار به وسیله **تشبیه مضمیر** صورت می گیرد.

کی عیب سرزلف بت از کاستن است      چه جای به غم نشستن و خاستن است  
روز طرب و نشاط و می خواستن است      کاراستن سرو ز پیراستن است

**این ابیات در توجیه کوتاه کردن گیسوان ایاز (غلام سلطان محمود) بیان شده است و به طور ضمنی ایاز را به سرو تشبیه کرده است که کوتاهی مویش موجب آرایش و زیبایی او شده است نه زشتی ایاز.**



**ب- علت ادعایی:** علتی است که برای معلول ذکر می شود حقیقت ندارد بلکه شاعر بر اثر تشبیهی چنین ادعایی را مطرح می کند.

به سرو گفت کسی میوه یی نمی آری      جواب داد که آزادگان تهی دستند

سرو را به آزادگان تشبیه کرده است ، سرو مانند آزادگان تهی دست است.

**تذکر:** اگر این تعلیل های ادبی زیبا باشد و نکته و لطیفه ای داشته باشد که غالباً دارد به آن **حسن تعلیل** می گویند.

**۲- مذهب کلامی :** مطلبی را با قیاس و برهان عقلی و خطابی اثبات کنند  
این گونه مطالب در ادبیات مسایل عاطفی از قبیل مرگ و زندگی ، عشق و  
نفرت ، داد و بیداد است .

ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما      بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان ؟

کاخ انوشیروان که سمبل عدالت بود چنین خراب شد پس کاخ ستمکاران چه  
خواهد شد.

**۳- دلیل عکس:** برای مطلبی دلیلی بیاورند که کاملاً بر خلاف انتظار و مخالف عرف و عادت باشد و این یکی از شیوه های ایجاد طنز است.

حاشا که من به موسم گل ترک می کنم    من لاف عقل می زنم این کار کی کنم؟

بر حسب عرف ، حکم عقل ترک می نوشی است ، حافظ بر عکس گفته است .

**۴- سؤال و جواب:** شعر مبتنی بر پرسش و پاسخ یا گفتگو باشد و سؤال جواب ها جنبه ادبی داشته باشد یعنی در آن نکته و هنری باشد.

گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود      گفتا چه توان کرد که تقدیر چنین بود



## **تمرین بدیع معنوی**

**در نمونه های ذیل صنایع معنوی را مشخص کنید.**

**۱**

**تا همه خلوتیان جام صبحی گیرند      چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم**

**جواب: بین صبحی و صبحی جناس کلمات هم خانواده**

۲

عشق لب شیرینت روزی بکشد سعدی فرهاد چنین کشته است آن شوخ به شیرینی

**جواب:** شیرینی ایهام تناسب دارد. به معنی شیرین رفتاری به کار رفته است و در معنی شیرین معشوقه فرهاد با فرهاد تناسب دارد.

۳

دعایی گر نمی گویی به دشنامی عزیزم کن  
که گر تلخ است شیرین است از آن لب هر چه فرمایی

**جواب:** بین دعا و دشنام تضاد است . تلخ و شیرین نیز تضاد دارد.

۴

**تخم رنجی و بیخ اندوهی شاخ دردی و بار تیماری**

**جواب:** تخم ، بیخ ، شاخ ، بار : مراعات النظیر  
رنج ، اندوه ، درد ، تیمار : مراعات النظیر



۵

**شب گرنه به هم‌رنگی بودی چو دو زلف تو  
کی در شب تاریکم یک لحظه قرار استی**

**جواب: حسن تعلیل . آرامش من در شب در هنگام فراق تو به این  
دلیل است که شب هم‌رنگ زلف سیاه توست.**

۶

گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل  
گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل

**جواب:** مصراع اول: تنسیق الصفات

مصراع دوم: تقسیم

۷

سودای عشق پختن عقل نمی پسندد  
فرمان عقل بردن عشقم نمی گذارد

**جواب: قلب مطلب**

۸

آن کند تیغ تو بجان عدو که کند جود تو به کان گهر

**جواب:** مدح موجه : تو هم شجاع هستی هم بخشنده

۹

هست رایت زمانه را عادل لیک دستت خزانه را غدار

**جواب:** مدح شبیه به ذم . با کلمات لیک و غدار به ظاهر ذم می گوید  
در حالی که مدح است و مصراع دوم نشانه بخشندگی است.

۱۰

بوسه خواهم داد و یحک بند پند آموز را  
لاجرم زین بند چنبر وار شد بالای من

**جواب:** حسن تعلیل : خمیدگی من در داخل زندان به این  
دلیل است که می خواهم بند پایم را بوسه بزنم.

بَابُ

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)